

بررسی عوامل و کاربردهای اختلاف قرائت قرآن از دیدگاه دانشمندان علوم قرآن و آیت الله فاضل لنکرانی*

محمد امینی** و جمیله براتیان***

چکیده

یکی از ابزارهای هدایت انسان که توسط خداوند سبحان، بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است، قرآن کریم می باشد. این کتاب آسمانی که معجزه پیامبر اکرم ﷺ می باشد، از ابعاد مختلفی قابل بحث و بررسی است. در این مقاله بحث علت و آثار اختلاف قرائت قرآن از دیدگاه علمای اسلام با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع تفسیری و علوم قرآنی مورد بررسی قرار گرفته است؛ با هدف آشنایی با زوایای قرآن کریم و این نتیجه حاصل شد که علمای اهل سنت، اختلاف قرائت قرآن را می پذیرند اما علمای شیعه اختلاف قرائت قرآن را رد می کنند. از دیدگاه آیت الله فاضل این که یک قرائت مانند حفص از عاصم در همه اعصار مشهور باشد مورد تایید نیست و در هر عصری قرائتی خاص مشهور بوده است.

واژگان کلیدی: قرائت، اهل سنت، شیعه، تفسیر، علوم قرآنی، آیت الله فاضل، علامه

طباطبایی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۷/۰۴.

** دکتری علوم حدیث تطبیقی جامعه المصطفی العالمیه: m.shii@chmail.ir

*** دانش آموخته سطح ۳ تفسیر جامعه الزهرا (نویسنده مسئول): baratyan@gmail.com

مقدمه

یکی از موضوعات مهم علوم قرآن، بحث قرائات می باشد که دانشمندان علوم قرآن و دیدگاه آیت الله فاضل در این نوشتار مورد بررسی قرار می گیرد. اهمیت این بحث از جهاتی ضروری و سودمند بوده که می تواند به عنوان نمونه اثبات تواتر قرآن، حروف هفت گانه از نظر اهل سنت و امامیه، اختلاف و فواید قرائات مورد توجه قرار می گیرد. هم چنین ادوار قرائات قرآن که در دوره اول پیامبر ﷺ تلاوت و حفظ قرآن کریم را بر مسلمین اقراء فرمود و هدف ایشان از قرائت بر مردم، دعوت ایشان به اسلام بود. در واقع می توان گفت رسول الله ﷺ نخستین قاری قرآن بوده اند. در دوره دوم که دوره رواج قرائات مختلف بود، توسعه جریان اختلاف قرائات میان حافظان و قاریان به اواخر قرن اول می رسد و بدین ترتیب مرحله جدیدی در تاریخ قرائت گشوده می شود.

پژوهش حاضر بر آن است تا بررسی دیدگاه دانشمندان علوم قرآن درباره علت اختلاف قرائات به صورت تطبیقی تفاوت های دیدگاه های فریقین در این باره را نمایان سازد و آثاری را که خصوصاً در نزد اهل سنت برای اختلاف قرائات شمرده شده است بیان نماید. در ضمن دیدگاه دانشمندان اسلامی درباره تواتر قرائات و قرائت مشهور هر عصر با تأکید بر نظر آیت الله فاضل لنکرانی بررسی خواهد شد.

امید است تا این تحقیق زمینه هر چه بیشتر فعالیت های علوم قرآن به خصوص در حوزه قرائات را فراهم نماید و باعث پاسخ گویی به برخی از شبهات مطرح شده در این زمینه باشد.

ادوار قرائات قرآن

قرائات قرآن دوره های مختلفی را پشت سر گذاشته تا سرانجام به صورت علم مستقلی درآمده است. این ادوار را می توان به ۳ دوره کلی تقسیم کرد که هر کدام شامل حوادث گوناگونی است (فضلی، تاریخ قرائت قرآن، بی تا: ۲۲ - ۶۹).

۱۰۸ دوره اول - تعلیم، تلاوت و حفظ قرآن کریم

نقطه شروع قرائت قرآن با تعلیم پنج آیه اول سوره علق، به نبی اکرم ﷺ از سوی جبرئیل و با خطاب «اقرأ» تحقق یافت تا آن حضرت، قرآن را قرائت کند.

در این دوره خود پیامبر ﷺ قرآن را به مسلمین تعلیم داده و آن را بر آنان اقراء فرمود و هدف ایشان از قرائت بر مردم، دعوت ایشان به اسلام بود. در واقع می توان گفت رسول الله ﷺ نخستین قاری قرآن بوده اند.

به دستور نبی اکرم ﷺ عده‌ای از مسلمانان مثل مصعب بن عمیر و ابن مکتوم قرآن کریم را به عده‌ای دیگر تعلیم می‌دادند، به تدریج گروهی به وجود آمدند که تلاوت و تدریس آیات را به عهده گرفته و این کار به صورت اشتغال عمده زندگانی آن‌ها درآمد که اینان را «قرّاء» می‌نامیدند. نخستین جرقه‌های اختلاف قرائات در این دوره، یعنی نیمه نخست قرن اول، زده شد. در این دوره مسأله قرائت به صورت «تعلیم و یادگیری» دگرگونی یافت. به این معنا که علاقه‌مندان به قرائت قرآن کریم به حافظان قرآن - مثل صحابه - و یا کسانی که معروف بودند رجوع می‌کردند تا قرآن را بر آنان قرائت کنند و قرائت را از آنان فراگیرند، شهر کوفه پس از مدینه منوره از معروف‌ترین شهرهایی به شمار می‌رفت که مردم آن به قرآن و قرائات آن اهتمام می‌ورزند در این دوره عده‌ای از صحابه در کنار تعلیم و تعلّم، به حفظ قرآن کریم قیام کردند که این دوره از نیمه نخستین قرن اول هجری فراتر نمی‌رود.

دوره دوم - رواج قرائات مختلف

وقایع این دوره را می‌توان در سه مرحله جست‌وجو نمود.

۱. توسعه جریان اختلاف قرائت‌ها میان حافظان و قاریان به اواخر قرن اول می‌رسد و بدین ترتیب مرحله جدیدی در تاریخ قرائت گشوده می‌شود.
۲. این مقطع را باید زمانی جست‌وجو کرد که عثمان بن عفان پس از توحید مصاحف، برای هر یک از بلادی که مصحفی را به آن‌ها اعزام کرده بود، قاری ویژه‌ای فرستاد تا مردم را بر اساس مصحف خود، متحد سازد.
۳. نتیجه این تلاش - توحید مصاحف - فقط مدتی کوتاه، بین امت اسلامی جریان داشت و بار دیگر یعنی از اواخر قرن اول تا آخر قرن دوم مصیبت اختلاف در قرائت کتاب الهی، مسلمانان را گرفتار نمود. در این مرحله مردم با دیده قبول به قرائت‌های همه قرآء می‌نگریستند. «قرآء سبعة» که همگی در قرن دوم هجری می‌زیسته‌اند عبارت‌اند از: ابن عامر، ابن کثیر، عاصم، ابو عمر، حمزه، نافع و کسایی (همان، ۳۸-۳۹؛ شریعت، چهارده روایت در قرائت قرآن مجید، ۱۳۷۰: ۱۳).

دوره سوم - تخصصی شدن علم قرائت

این دوره نیز سه مرحله دارد.

۱. ثمره تلاش بی‌وقفه قراء خصوصاً هفت نفری که از آن‌ها یاد شد، به بار نشستن نهال تخصصی شدن «علم قرائت» در قرن سوم بود.

۲. در این دوران به محدود کردن قرائت‌ها در هفت قرائت، توجه شد. شروع این کار از ناحیه ابن مجاهد (م ۳۲۴ هـ. ق) با تألیف کتاب «القرائات السبعة» بود.

۳. آخرین مرحله توافق همه مسلمانان بر قرائت حفص از عاصم هست که مطابق با قرائت متواتر مشهور است و در حال حاضر اکثریت قریب به اتفاق قرآن‌ها با خط عثمان طه و با قرائت حفص به چاپ می‌رسد.

اثبات تواتر قرآن

قرآن کریم، اساس اسلام، معجزه آسمانی و گواه نبوت پیامبر اسلام ﷺ است، پس باید از طریقی یقین آور به دست ما رسیده باشد. تمام مسلمانان اتفاق نظر دارند که متن قرآن مجید تنها از راه تواتر و نقل‌های فراوان و یقین آور قابل اثبات است و اثبات این تواتر به عهده علم قرائت است، به علاوه یکی از دلایل مهم که شبهه تحریف را از بین می‌برد این است که قرآن متواتر است؛ یعنی مجموع و اجزای آن، هم سوره‌ها و هم آیات و حتی جمله‌ها، کلمات، حروف و نیز قرائت و حرکات حروفش همگی متواتر به ما رسیده است (ر.ک: خویی، البیان، ۱۴۱۶: ۱۲۳-۱۲۴)، بحث قرائت قرآن اثبات این امر مهم را به عهده دارد.

علت اختلاف قرائات

در جواب این پرسش که چرا قرائت‌ها باهم متفاوت شده‌اند؟ نظرات مختلفی از سوی علما اظهار شده است از جمله

۱. اختلاف قرائت و تأیید نبی اکرم ﷺ

روایاتی به ما رسیده است که پیامبر اکرم ﷺ هنگام تعلیم قرآن کریم مقید به یک نوع لفظ و قرائت نبوده است. این روایات را علامه عسکری در کتاب القرآن الکریم و روایات المدرستین جمع آوری نموده است. و به آن‌ها پاسخ داده است. هر چند همین روایات را عبد الهادی فضلی در کتاب تاریخ قرائت خود آورده و به نوعی تأیید نموده است (عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۲۴: ۱۲۶/۲ - ۲۵۰)

تنوع و اختلاف تقریر و تأیید پیامبر ﷺ در برابر قرائت مسلمانان که به منظور تسهیل و توسعه بر امت اسلامی صورت می‌گرفت، علت دیگری برای اختلاف قرائات است (این روایات بر اختلاف لهجه افرادی که در محضر پیامبر اکرم ﷺ قرائت نموده‌اند دلالت دارد).

۲. اختلاف رسم الخط

یکی دیگر از عوامل اختلاف قرائت‌ها، عاری بودن مصاحف امام از نقطه و اعراب بوده است. این عامل هم از سوی علمای شیعه مانند محمد هادی معرفت و ابوالقاسم خویی و هم از سوی دانشمندان اهل سنت مانند زرقانی در مناهل العرفان مورد توجه قرار گرفته است (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۳۸۴: ۱۵/۲؛ ر.ک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۴۱۶).

۳. اختلاف لهجه

منشأ پاره‌ای از قرائات، اختلاف لغات و لهجه‌های عرب است. این مسأله بین عموم علمای فریقین مورد توافق و تایید است و همه دانشمندان و محققان بر این امر صحنه گزارده‌اند.

۴. اجتهاد قراء

اجتهاد قراء درحالی که بر روایت و نقل از نبی اکرم ﷺ متکی نبوده عامل اختلاف شده است. مرحوم علامه عسکری و محمد هادی معرفت نیز در این باره اظهار نظر کرده و آن را یکی از مهم‌ترین عوامل برای اختلاف قرائات شمرده‌اند (فضلی، تاریخ قرائات قرآن کریم، بی تا: ۱۱۷-۱۲۵، ر.ک: عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین، ۱۴۲۴: ۱۲۵/۲-۲۵۰ و معرفت، التمهید، ۱۳۸۴: ۲/۲۰-۸۰).

آنچه بیان شد آراء بعضی از صاحب نظران اهل سنت و امامیه در مورد علت اختلاف قرائات بود، اما از میان عوامل پیش گفته، سه علت مهم تر هستند که به بررسی آن‌ها می پردازیم.

الف) اختلاف رسم الخط

این نظریه غالباً از سوی مستشرقانی مانند گلدزیهر نیز مطرح شده است. او در کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» می نویسد: «قسمت مهمی از اخلاف قرائات به خصوصیات خط عربی مربوط است زیرا این خصوصیات، اندازه‌های مختلف صوتی ایجاد می کند که منشأ آن نیز اخلاف وضع نقطه‌هایی است که زیر یا روی فرم و شکل خط قرار گرفته و یا منشأ آن اختلاف تعداد نقطه‌ها است» (ر.ک: فضلی، تاریخ قرائات، بی تا).

- بررسی

گلدزیهر در این مورد از طریق حق و انصاف منحرف گشته و دور از واقعیت سخن گفته است؛ زیرا اگر منشأ اختلاف قرائات، نحوه نگارش بود، این اختلاف به وضع دهشت‌آوری،

قرائت بی اندازه‌ای را ایجاد می‌کرد، حال آن‌که قرائتی که فعلاً وجود دارد و دانشمندان، کتاب‌های متعددی درباره آن‌ها نگاشته‌اند و همواره دریافتن سند و اساس نقل آن‌ها بوده‌اند؛ معروف و درعین حال محدود است؛ به‌علاوه همه این قرائت‌ها به نقل و روایت متکی هستند نه به شیوه کتابت و رسم الخط قرآن.

ب) اختلاف لهجه‌ها

از نظر اهل تسنن یکی از اسباب و عوامل اختلاف قرائت تفاوت لهجه‌ها است. این گروه با توجه به حدیث «انزل القرآن علی سبعة احرف» اختلاف قرائت‌ها را ناشی از اختلاف لهجه‌های عربی می‌دانند (خوئی، البیان فی التفسیر القرآن، ۱۴۱۶: ۱۹۱ و ۱۹۲). یکی از مستشرقان به نام ولرس بر اساس فرضیه‌ای گفته است که قرآن در آغاز به لهجه‌های عامیانه نازل گردید که با اسلوب و سبک پیشرفته زبان عربی تفاوت زیادی داشت (حجتی، پژوهش در تاریخ قرآن کریم، ۱۳۶۰: ۲۶۳).

- بررسی

این نظریه نیز - با اینکه شاید به نسبت بقیه، بهترین قول باشد - درست به نظر نمی‌رسد زیرا این مطلب با خبری سازش ندارد که می‌گوید: «عمر بن خطاب با هشام بن حکم در مورد قرائت قرآن منازعه کردند». چون هر دو نفر آن‌ها دارای لهجه قریش بودند پس نباید اختلاف داشته باشند. مهم‌تر این‌که در حال حاضر هم باید بتوان قرآن را با لهجه‌های متعدد قرائت نمود، در صورتی که این حکم برخلاف سیره و روش قطعی تمام مسلمانان است (خوئی، البیان، ۱۴۱۶: ۱۹۲).

ج) اجتهاد قراء

بزرگ‌ترین عامل تأثیرگذار در اختلاف قرائت، اجتهاد و رأی قاریان است. علمای شیعه قائل‌اند که قرآن دارای نص واحدی است و اختلاف میان قراء برای به دست آوردن و رسیدن به آن نص واحد است. طبق روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «قرآن یکی بیش نیست و از جانب خدای واحد نازل شده است، لکن اختلافات بر سر قرائت آن، از جانب راویان صورت گرفته است» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۵: ۲، کتاب فضل القرآن، باب النوادر، ح ۱۲) بنابراین نزول قرآن با حروف هفت‌گانه معنا و مفهوم صحیحی ندارد و باید روایاتی را که در این مورد نقل گردیده است، با توجه به روایت امام صادق علیه السلام کنار گذاشت (معرفت، التمهید، ۱۳۸۴: ۱۶۸/۲؛ خوئی، البیان، ۱۴۱۶: ۱۷۷ و ۱۹۳).

مسلم است که قرآن مجید فقط به یک طریق از جانب پروردگار بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گردیده و در زمان آن حضرت، اختلافی در کیفیت تلاوت قرآن وجود نداشت، پس از رحلت آن حضرت، روایاتی که صحابه از پیامبر ﷺ نقل می‌کردند در بعضی از حروف و کلمات و کیفیت ادای آن‌ها متفاوت بود اما همواره متن اصلی آن‌که در عین قرائت پیامبر ﷺ است سینه‌به‌سینه و به‌طور متواتر محفوظ مانده و به ما رسیده است.

فایده‌های اختلاف قرائت‌ها

یکی از مباحث مرتبط با قرائت قرآن، فایده تفاوت قرائت‌ها است که از نظر اهل سنت و شیعه بررسی می‌شود.

۱. دیدگاه اهل سنت

دانشمندان اهل سنت برای اختلاف قرائات - در صورتی که موجب تضاد یا تناقضی نگردد - فوایدی را ذکر کرده‌اند که به برخی اشاره می‌شود. اهل سنت به قضیه اختلاف قرائات با دیدی مثبت نگاه کرده و برای آن فوائد و آثاری را ذکر کرده‌اند و این در حالی است که عموم دانشمندان شیعه به این امر با نگاه خوش‌بینانه نگاه نکرده‌اند. در ذیل برخی از فوایدی را که دانشمندان اهل سنت پذیرفته‌اند بیان می‌گردد.

اول - آسان‌گیری و رحمت برای امت

از یک طرف پیامبر اکرم ﷺ نمی‌خواست بر امت خویش سخت بگیرد و از سوی مأمور تبلیغ احکام به همه مردم دنیا بود، در حالی که زبان و لغت ایشان بسیار متفاوت هست و تمام مردم جهان در همه زمان‌ها مأمور به قرائت قرآن کریم هستند؛ پس اگر خداوند تمام مردم جهان را به قرائت به یک لهجه خاص امر می‌کرد در تلاوت مشکل پیش می‌آمد؛ بنابراین پیامبر ﷺ از خداوند درخواست کرد که قرائت قرآن به لهجه‌های متفاوت جایز باشد (ر.ک: زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ۱۴۱۶).

دوم - نشانه اعجاز قرآن کریم

فایده دیگر تفاوت در قرائت‌ها آن است که این‌گونه تنوع، اوج بلاغت و کمال اعجاز و حسن ایجاز را می‌رساند چون در عین تنوع و اختلاف قرائت‌ها، تضاد و تناقضی در قرآن راه نمی‌یابد بلکه هریک از قرائت‌ها با وجود تفاوت، مؤید و شاهد هم‌دیگر هستند (ر.ک: همان؛ رافعی، اعجاز القرآن و بلاغه النبویه، ۱۴۲۱: ۱۷۰).

سوم - فواید فقهی

فایده دیگر، ترجیح یکی از دو حکم مورد اختلاف بین علما است، مانند قرائت ﴿أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ﴾ (مائده/ ۸۹) که در برخی از قرائات کلمه «مؤمنه» اضافه شده است که در واقع یکی از شرایط برده‌ای است که باید آزاد شود و تأیید نظر کسانی است که می‌گویند بنده‌ای را می‌توان به‌عنوان کفاره آزاد کرد که مؤمن باشد (ر.ک: زرقانی، مناهل العرفان، ۱۴۱۶).

۲. نظر شیعه

اکثر علمای امامیه فایده مهمی برای اختلاف قرائت‌ها ذکر نکرده‌اند و حتی در رد دلایل پیش‌گفته، مطالبی را بیان نموده‌اند، به‌عنوان مثال در ردّ فایده اول گفته‌اند: اختلاف در قرائت قرآن، نعمت و بلائی برای امت اسلامی بود که در زمان عثمان ظاهر گردید، بنابراین چگونه می‌توان گفت: رسول خدا ﷺ از خداوند چیزی را درخواست نموده است که وسیله فساد و اختلاف میان امت شده و چگونه خداوند به چنین درخواستی جواب مثبت داده است؟ در مورد فایده دوم و سوم نیز باید گفت: تبدیل کلمات موجود در قرآن به کلمات دیگر و اضافه نمودن کلماتی مانند مؤمنه و غیره اساس و شالوده قرآن را که معجزه همیشگی است به‌هم‌ریخته و باعث تحریف آن می‌شود (ر.ک: خوئی، البیان، ۱۴۱۶: ۱۸۱ - ۱۸۲). به‌رحال دانشمندان شیعه برای اثبات کم‌فایده بودن اختلاف قرائات، این موضوع را از دو زاویه بررسی کرده‌اند.

الف) فایده‌های فقهی

فواید فقهی تفاوت قرائات را می‌توان از سه زاویه بررسی کرد.

یک - استنباط حکم شرعی

در مورد این‌که با اختلاف قرائت‌ها بتوان حکم شرعی به دست آورد، آیت‌الله خوئی می‌نویسد: حق این است که قرائت‌های هفت‌گانه حجیت ندارد (قرائت‌های هفت‌گانه، قرائت‌هایی هستند که توسط ابن مجاهد در قرن ۴ از میان قرائت‌های متعدد انتخاب شدند).

و در صورت اختلاف، طبق یکی از آن‌ها نمی‌توان حکم شرعی داد؛ زیرا ممکن است قرائت قاریان اشتباه باشد. به‌علاوه چون قرائت‌های متعدد از طریق خبر واحد است (خبر واحد روایتی است که تعداد روایان آن به‌اندازه‌ای نیست که از نقل آن‌ها برای انسان اطمینان و یقین حاصل شود) فقط ایجاد ظن و گمان می‌کند و پیروی از ظن، عقلاً و شرعاً مذموم است (همان، ۱۶۴).

دو - قرائت نماز

خواندن قرآن در نماز طبق قرائتی که قرآن بودن آن از سوی پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ ثابت نشده باشد، جایز نیست، اما بیشتر فقها در محدوده قرائت هفت گانه حکم به جواز داده اند، مثلاً آیت الله خوئی، خواندن نماز به قرائت های متداول ائمه اطهار ﷺ را جایز دانسته است و امام خمینی ﷺ احتیاط فرموده اند که از قرائت هفت گانه تجاوز نشود (خمینی، تحریر الوسیله، ۱۳۷۹: ۱، القول فی القرائه، مسأله ۱۴).

سه - قرائت قرآن

قرائت قرآن - چه در نماز و چه در غیر از آن - طبق هر یک از قرائت متعارف زمان اهل بیت ﷺ جایز است (حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۱۳۶۰: ۳۷۶). در مجموع ملاحظه می شود که تفاوت قرائت اثر فقهی مهمی ندارد (ر. ک: مرکز فرهنگ و معارف قرآنی، علوم القرآن عند المفسرین، ج ۲، ص ۶۷ - ۷۴) (ب) فایده های تفسیری

با توجه به این که حروف، هیئت کلمه ها و موقعیت آن ها در جمله، نقش اساسی در معانی جملات دارند، تفسیر قرآن قبل از هر چیز وابسته به اطمینان از قرائت صحیح آیات است؛ بنابراین، نخستین گامی که مفسر باید برای فهم آیات بردارد، فحص و تحقیق از قرائت صحیح یعنی تلاوت آیات طبق تلفظ پیامبر ﷺ است.

آیات قرآن از جهت قرائت چند دسته هستند.

یک - آیاتی که در طول تاریخ، اختلافی در قرائت آن ها مطرح نشده است. این آیه ها، حدود ۷۵ درصد آیات قرآن را شامل می شود و قرائت فعلی آن ها، قرائت پیامبر ﷺ است، از این رو می توان آن ها را بر اساس قرائتشان تفسیر نمود.

دو - آیاتی که در قرائت آن ها اختلاف وجود دارد که اکثر این آیه ها، تفاوت قرائت، معنا را عوض نکرده است و اثری در تفسیر ندارد، مانند اختلافی که در قرائت کفواً ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (توحید/ ۴)؛ «و برای او شبیه و مانندی نبوده است».

و هزواً ﴿... قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا؟﴾ (بقره/ ۶۷)؛ «گفتند آیا ما را مسخره می کنی؟» وجود دارد. سه - آیاتی که اختلاف قرائت، معنای آن ها را عوض می کند، در این موارد اگر یکی از قرائت ها، مشهور یا دلایل عقلی و نقلی (روایت قطعی) بر تأیید آن وجود داشته باشد، همان قرائت لحاظ می شود. مثل: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر/ ۲۸)؛ «از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می ترسند» چون قرائت با رفع آخر کلمه الله و نصب واژه علماء غیر مشهور است پس کنار گذاشته می شود.

چهار - آیه‌هایی که اختلاف قرائت، معنای آن‌ها را عوض می‌کند، دلیل معتبری برای تعیین معنا وجود ندارد؛ مانند قرائت «مالک و ملک» (حمد/۳).

در این صورت قدر جامع و معنای مشترک بین قرائت‌ها را به صورت احتمال می‌توان در نظر گرفت، ولی باید توجه داشت که این دسته از آیات کمتر از ۳۰ مورد هستند و در بیشتر آن‌ها با کمک آیات دیگر تفسیر صحیح قابل دستیابی است، پس این گونه آیات مشکلی در فهم کلام الهی ایجاد نمی‌کنند (ر.ک: جمعی از نویسندگان روش‌شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۸۵: ۶۴ - ۶۸؛ معرفت، التمهید، ۱۳۸۴: ۱۵۵/۲ و ۱۶۹).

دیدگاه علامه طباطبائی در اختلاف قرائات

مسأله قرائت‌ها و رابطه آن با تفسیر، کمتر مورد بحث مؤلف تفسیرگران قدر المیزان قرار گرفته است. سکوت علامه رحمته در مورد قرائات مختلف، حاکی از اطمینان ایشان نسبت به قرائت موجود در قرآن کریم است. ایشان گاهی بر اساس سیاق قرائت خاصی را به قرائت مصحف ترجیح می‌دهند، مثل کلمه «زُبراً» در آیه ﴿فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ قَرْحُونَ﴾ (مؤمنون/۵۳؛ ر.ک: طباطبائی، المیزان، ۱۳۵/۱۵).

که در قرائت ابن عامر «زُبراً» آمده و جمع «زب - ره» به معنای فرقه هست. بر اساس این قرائت معنای آیه این است: «آن‌ها در مورد انبیاء متفرق شده و جمعیت‌های گوناگون گردیدند» ایشان می‌گویند این قرائت از قرائت حفص بهتر است.

معمولاً علامه رحمته قرائت‌های نادر را رد کرده و مورد انتقاد قرار می‌دهند، خصوصاً هنگامی که سیاق آیات از چنان قرائتی ابا داشته باشد و یا نصوص قرآن، آن معنا را تأیید نکنند، مثل کلمه «روحنا» که با تشدید نون، در آیه ﴿فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ (مریم/۱۷؛ ر.ک: همان، ۳۶/۱۴) خوانده شده و علامه طباطبائی این قرائت را نمی‌پذیرد. ایشان در آیه ﴿وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ﴾ (انعام/۵۹؛ ر.ک: همان، ۱۲۴/۷) که کلمه «مفاتح»، «مفاتیح» خوانده می‌شود می‌گویند: نتیجه هر دو معنا یکی است ولی قرائت حفص ترجیح دارد (اوسی، روش علامه طباطبائی در المیزان، ۱۳۷۰: ۳۲۳ - ۳۲۶).

تواتر قرآن و تواتر قرائات

یکی از مباحث مهم در موضوع قرائت قرآن بحث تواتر قرائات هفت‌گانه هست که برای تبیین آن باید به سه محور مهم توجه کرد: تواتر قرآن - تواتر قرائت‌ها - تفاوت این دو.

اول - تواتر قرآن

بیشتر پژوهش‌گران اهل سنت و شیعه مثل آیت الله خوئی، آیت الله معرفت، زرکشی، صبحی و صالح و... در این مطلب اتفاق نظر دارند که راه ثابت شدن متن قرآن، منحصر به تواتر است و قرآن مجید از راه تواتر یعنی نقل متوالی و یقین آور توسط نسل‌های پیاپی و به طور سینه‌به‌سینه به ما رسیده است و راه دیگری وجود ندارد، از طرف دیگر چنان‌که خواهد آمد میان متواتر بودن آیات قرآن با تواتر قرائت‌ها، کم‌ترین ملازمه‌ای وجود ندارد، یعنی امکان دارد در عین این‌که خود متن آیات قرآن، متواتر و قطعی است، قسمتی و یا تمام قرائت‌های هفت‌گانه متواتر نباشد زیرا متواتر بودن قرآن دلیل بر تواتر قرائت‌ها نیست (خوئی، البیان، ۱۴۱۶: ۱۵۸ - ۱۶۰).

دوم - تواتر قرائت‌ها

حدیث متواتر دارای شرایط زیر هست.

۱. سند حدیث باید به معصوم ختم شود.
 ۲. تعداد راویان حدیث به حدی باشد که احتمال همدستی بر دروغ‌گویی از سوی آنان وجود نداشته باشد.
 ۳. تعداد راویان در هر دوره و طبقه، زیاد باشد، بدین گونه که در هر زمانی، افراد زیادی خیر نقل شده را از گروه قبل از خود روایت کرده باشند تا در نهایت حدیث به معصوم برسد؛ بنابراین اگر در یکی از طبقات تعداد راویان کم باشد چنین حدیثی اصطلاحاً متواتر نیست، بلکه در زمره اخبار آحاد به شمار می‌آید (ر.ک: شهید ثانی، شرح البدائنه، ۱۹۸۲: ۶۲).
- بر این اساس، قرائت متواتر عبارت است از قرائتی که تعداد زیادی از قاریان، آن را از جمعی دیگر که عددشان زیاد است روایت می‌کنند که اتفاق چنین جماعتی بر دروغ امکان‌پذیر نباشد (حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن، ۱۳۶۰: ۳۷۹).
- عده‌ای همه قرائت‌های هفت‌گانه را متواتر دانسته‌اند و برای اثبات خود دلایلی آورده‌اند که یک دلیل را ذکر می‌کنیم.

- دلیل تواتر قرائت‌ها و پاسخ آن

اگر قرائت‌های هفت‌گانه متواتر نباشد، قرآن نیز متواتر نخواهد بود و چون عدم تواتر قرآن قابل قبول نیست ناگزیر عدم تواتر قرائت‌ها نیز باطل خواهد بود. به بیان روشن‌تر، قرآن کریم به وسیله حافظان و قاریان معروف به دست ما رسیده است. اگر قرائت‌ها متواتر نباشد قرآن کریم نیز متواتر نخواهد بود (همان، ۳۶۶).

پاسخ: تواتر قرآن هرگز مستلزم تواتر قرائات نیست، یعنی علما نیز بر این حقیقت اعتراف کرده‌اند، از جمله زرکشی در البرهان می‌گوید: قرآن و قرائت آن، دو حقیقت متغایر و متمایز می‌باشند؛ زیرا قرآن همان وحی است که به‌عنوان راهنمای مردم و سند نبوت پیامبر اکرم ﷺ فرود آمده ولی قرائات وحی نیستند، بلکه اختلاف در حروف، حرکات و در چگونگی تلفظ الفاظ وحی است (زرکشی، البرهان، ۱۳۶۶: ۱/۲۲).

درواقع اصل متن قرآن از طریق اخبار متواتر در دسترس ما قرار دارد و حاضران آن را از گذشتگان برای ما نقل کرده‌اند که آنان نیز قرآن را در سینه‌ها و نوشته‌ها نگاه داشته‌اند، ولی قرآ در نگرهانی متن نقشی نداشته‌اند، به همین دلیل تواتر متن خود قرآن، قابل اثبات است حتی اگر فرض کنیم که قرآ سبعة یا عشرة اصلاً از مادر زاده نمی‌شدند بنابراین عظمت قرآن والاتر از آن است که به گروه اندکی از قراء متکی باشد (حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن، ۱۳۶۰: ۳۶۶ - ۳۶۷؛ ر. ک: فضلی، تاریخ قرائات قرآن، بی تا: ۸۶).

دلایل عدم تواتر قرائات

پژوهش‌گران علاوه بر نقدهایی که بر دلایل تواتر قرائات وارد کرده‌اند، دلیل‌هایی هم بر اثبات عدم تواتر قرائات‌ها آورده‌اند.

۱. نقل از غیر معصوم

اگر منظور قرائات سبعة این است که نقل از خود قرآ سبعة متواتر است این ادعا فاقد ارزش است، چون مبدأ تواتر باید معصوم باشد تا آن‌چه نقل شده است، حجیت پیدا کند و اگر مقصود از تواتر این است که نقل این قرآ تا به پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» برسد به صورت متواتر است، این امر نیز قابل اثبات نیست زیرا بیشتر قراء حتی سند قرائت ندارد تا چه رسد به این‌که ادعای تواتر کنند، به علاوه بیشتر قرائات از روی اجتهاد شخصی بوده است و هرگز به نقل و روایت مستند نیست. درحالی‌که اساسی‌ترین شرط تواتر، آن است که از مبدأ تا مقصد در تمامی طبقات نقل خبر به صورت متواتر و متصل به معصوم باشد (معرفت، علوم قرآنی، ۱۳۷۵: ۱۹۲ - ۱۹۳).

۲. وجود تناقض

تعارض بین قرائات‌ها و تواتر آن‌ها را از پیامبر اکرم ﷺ نفی می‌کند، زیرا نمی‌تواند دو چیز متناقض هر دو وحی باشند.

ضابطه‌های قرائت صحیح

با توجه به این که قرآن، نص واحد متواتر دارد که در طول قرن‌ها ثابت مانده است، ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/۹)؛ «همانا ما ذکر (قرآن) را نازل کردیم و حتماً آن را حفظ می‌کنیم». ملاک صحت هر قرائتی، موافقت با نص است که قرائت آن به پیامبر اکرم ﷺ می‌رسد. این موافقت در صورتی محقق می‌شود که چند شرط وجود داشته باشد.

اول - توافق با نگارش مصحف‌های موجود که در تمامی اعصار به دست توانای مردم ثبت و ضبط شده است. همه قرآن‌های خطی و چاپی مخصوصاً در گستره بلاد اسلام، بدون هیچ اختلافی ارائه شده و می‌شود.

دوم - توافق با فصیح‌ترین و معروف‌ترین اصول و قواعد لغت عرب زیرا قرآن با فصیح‌ترین لغت نازل شده است و هرگز صورت‌های غیر مشهور لغوی در آن یافت نمی‌شود.

سوم - توافق با اصول ثابت شرع و احکام قطعی عقلی، قرآن پایه‌گذار شریعت و روشن‌گر همیشگی اندیشه‌های صحیح عقلی است و نمی‌شود که با آن مخالف باشد (همان، ۲۱۹؛ معرفت، التمهید، ۲/۱۴۳).

حال اگر قرائتی این شرایط را نداشته باشد، «شاذ» نامیده و از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

دیدگاه آیت الله فاضل درباره تواتر قرائت

آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله علیه و مشهور علما نسبت به تواتر قرائت، دیدی مثبت ندارند. و به دلیل روایات معصوم (کلینی، اصول کافی، ۱۴۲۹: ۴/۶۷۲) هیچ یک از قرائت را بر نمی‌گزینند. دلایل ایشان عبارتند از:

۱. در طول تاریخ و در بین علمای علوم قرآنی امری ثابت و یقینی است که در برهه‌ای از زمان، هر یک از شهرهای بزرگ برای خود قرائت خاصی داشته‌اند، نویسندگان کتاب مقدمات فی علم القرائت بر این باورند که هر یک از شهرهای بصره، مدینه، کوفه و... قاریان به خصوصی داشته‌اند و حتی تا شروع امپراطوری عثمانی، قرائت عاصم به روایت از حفص رواج چندانی نداشته است. (القضاة، ۲۰۰۱: ۶۳). ابن مجاهد در کتاب خود مفصل در مورد قرائت‌های هفت‌گانه و قرائت‌های هر یک از بلاد مسلمین، سخن به میان آورده است.

۲. هیچ یک از ائمه معصومین ما را از تلاوت کردن قرآن به قرائت‌های مختلف باز نداشته‌اند بلکه قرائت گوناگونی در زمان خود رایج بوده است و هیچ نقلی از سوی ایشان که دلالت بر منع نماید نرسیده است (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

۳. از امام صادق نقل شده است (همان) که:

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ، عَنْ سَالِمِ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَنَا أَسْتَمِعُ حُرُوفًا مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلَى مَا يَقْرؤها النَّاسُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: «مَهْ، كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ، أَقْرَأُ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ حَتَّى يَأْتِيَ الْقَائِمُ، فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ، قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - عَلَى حَدِّهِ». وَ أَخْرَجَ الْمُصَحِّفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيٌّ» (كلینی، اصول کافی، ۱۴۲۹: ۶۷۲/۴).

بنابر این حدیث، امام صادق توصیه نموده است که باید قرآن را طبق قرائت مردم تلاوت کرد و با توجه به گزارشات تاریخی، هیچ زمانی نبوده است که تمام مسلمین بر یک قرائت اجماع کرده باشند حتی در عصر حاضر!

آیت الله معرفت به این استدلال چنین پاسخ می دهد:

حدیث «اقرأوا كما يقرأ الناس» ناظر به همان حقیقتی است که در دست مردم جریان دارد و آن را از پیامبر ﷺ به ارث برده اند. نه آن چه بر زبان قاریان جاری است و مولود اجتهادات آنان می باشد و بر سر آن اختلاف دارند. بنابراین آن چه معتبر است و حجیت شرعی دارد، قرائتی است که جنبه همگانی و مردمی، دارد و آن قرائت همواره ثابت و بدون اختلاف بوده و تمامی مصحف های موجود در حوزه های علمی معتبر در دوره های تاریخ یکسان بوده، اختلافی در ثبت و ضبط آن وجود ندارد. لذا همه قرآن های مخطوط در طول تاریخ و مطبوع در چند قرن اخیر یکنواخت بوده و جملگی طبق قرائت حفص است که همان قرائت مشهور میان مسلمانان بوده و هست (معرفت، التمهید، ۱۳۸۲: ۱۵۲).

در مقام پاسخ به ایشان باید گفت که اولاً این روایت، مخاطب را ارجاع به قرائت «الناس» داده است. بنابراین مقصود از «الناس» مشخص نیست و نمی توان آن را حمل بر قرائت عاصم کرد. ضمن آن که این پرسشی بی پاسخ مانده است که مقصود از «الناس»، مردم چه شهری هستند؟ آیا مردم هر بلادی می توانند طبق قرائت خاص خودشان، قرآن را قرائت کنند یا خیر؟ البته روایان حدیث مذکور، کوفی هستند و امکان دارد قرائت مدنظر امام، قرائت حمزه بن حبيب الزيات باشد چرا که کوفیان بر اساس قرائت او تلاوت می کرده اند (ابن مجاهد، کتاب السبعة فی القرائات، ۱۴۰۰: ۷۲). هم چنین از آن جایی که عمده حیات امام صادق در مدینه بوده است، امکان دارد قرائت مورد نظر ایشان، قرائت قاری مدینه باشد که آنان بر اساس قرائت نافع بن عبدالرحمن قرآن می خواندند (همان). البته این امکان نیز وجود دارد که قرائت مکه مدنظر

باشد چرا که ممکن است این سؤال در موسم حج پرسیده شده باشد. بنابراین برای مشخص شدن قرائت یا قرائت‌های دقیق مورد نظر امام صادق، باید قرائت‌های زمان صدور حدیث بررسی و واکاوی شود تا بتوان نتیجه دقیق و مطلوبی را به دست آورد و تا زمانی که این امر محقق نشده است، نمی‌توان قرائتی خاص را گزینش کرد.

ثانیا ما ثابت کردیم که در هیچ یک از ازمینه، مسلمانان بر طبق قرائتی واحدی تلاوت نکرده‌اند و حتی در روزگار فعلی، بعضی از بلاد اسلامی، قرآن را با قرائتی غیر از قرائت عاصم به چاپ می‌رسانند (برای اطلاعات بیشتر به کتاب مقدمات فی علم القراءات رجوع شود). بنابراین، این که ادعا شود از عصر حضرت رسول [تا روزگار فعلی یگانه قرائت معمول مسلمانان، قرائت عاصم به روایت حفص باشد، ادعایی بدون دلیل است.

ثالثا، اشکال آخر به نظریه آیت الله معرفت، روایت دیگری است که آیت الله فاضل لنکرانی در کتاب خود بدان اشاره می‌کند (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۹۶: ۱۵۵). در این روایت، امام به شیعیان توصیه می‌کند که قرآن را طبق آن چیزی که تعلیم دیده‌اند، قرائت کنند:

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّا نَسْمَعُ الْآيَاتِ فِي الْقُرْآنِ لَيْسَ هِيَ عِنْدَنَا كَمَا نَسْمَعُهَا وَلَا نُحْسِنُ أَنْ نَقْرَأَهَا كَمَا بَلَّغْنَا عَنْكُمْ فَهَلْ تَأْتُمُّ فَقَالَ لَا اقْرَأُوا كَمَا تَعَلَّمْتُمْ فَسَيَجِيئُكُمْ مَنْ يَعْلَمُكُمْ» (کلینی، اصول کافی، ۱۴۰۷: ۶۱۹/۲).

یقیناً هر یک از شهرهای مختلف، قرائت متفاوتی نسبت به دیگر شهرها داشته‌اند و طبق این روایت، جایز است هر فردی طبق قرائتی که تعلیم دیده، قرآن را تلاوت نماید البته باید آن قرائت، جزء قرائت‌های متداول زمان معصوم باشد. آیت الله فاضل لنکرانی در انتهای بخش قرائت‌ها به همین گفتار اشاره کرده و می‌نویسد:

«مقتضى ذلك الاقتصار على خصوص القرائات المعروفة فى زمانهم من دون اختصاص باللس - بع او العشر، و من دون عمومية لجمعها، بل خصوص ما هو المعروف منهما، او من غيرهما، كما لا يخفى» (فاضل لنکرانی، مدخل التفسیر، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

حجیت قرائت کنونی

قرائت حفص، یگانه قرائتی است که سندی صحیح با پشتوانه جمهور مسلمانان دارد. این قرائت طی قرون پی‌درپی تا امروزه همواره میان مسلمانان متداول بوده است و هست و رواج آن به چند سبب برمی‌گردد.

الف) قرائت حفص (ابو عمر حفص بن سلیمان مشهور به حفص و فرزند همسر عاصم بوده او مردی عالم و عامل، آگاه‌ترین اصحاب عاصم نسبت به قرائت وی بوده است).

همان قرائت متواتر عامه مسلمانان است، زیرا حفص و استاد او عاصم (عاصم بن ابی النجود از قرأ معروف هفت گانه شیعی و از نظر شیعه و سنی شخصیتی بارز و مورد اعتماد است).

به شدت به قرائت عامه مردم پایبند بودند که دارای روایت صحیح است. این و علی علیه السلام جز با نص اصلی وحی که میان مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و آله متواتر بوده است، قرائت نمی‌کرده است. عاصم این قرائت را به شاگرد خود حفص آموخت و اعتبار قرائت عاصم صرفاً از این جهت است که با نص اصلی و قرائت متداول، توافق و تطابق داشته نه این که قرآن موجود، طبق قرائت عاصم نوشته شده است.

ب) عاصم بین قراء به خصوصیت ممتازی معروف بوده که شخصیتی قابل توجه به او بخشیده، وی در اخذ و ضبط قرآن بسیار استوار، منضبط و محتاط بوده است، بنابراین قرائت را فقط از عبدالرحمن سلمی (عبدالرحمن سلمی می‌گفت: تمام قرآن را بر علی علیه السلام قرائت کردم) آموخت که او از علی علیه السلام فراگرفته بود.

ج) اسناد حفص در نقل قرائت عاصم از علی علیه السلام، اسنادی صحیح و عالی است که در دیگر قرائت‌ها نظیر ندارد.

زیرا اولاً: عاصم اگرچه اساتید دیگری داشته است اما قرائت را به طور کامل از احدی به جز عبدالرحمن سلمی نگرفت و اگر عاصم این قرائت را بر دیگری عرضه کرده، صرفاً برای حصول اطمینان بوده است.

ثانیاً هیچ‌گاه عاصم با استاد خود مخالفت نورزید زیرا یقین داشته آن‌چه را از او فراگرفته است، دقیقاً همان است که وی از امام علی علیه السلام فراگرفته است.

ثالثاً عاصم، اختصاصاً اسناد طلایی و عالی قرائت خود از امیر مؤمنان را به فرزند همسر خود حفص، منتقل کرد (ر. ک: معرفت، التمهید، ۲/ ۲۳۲ - ۲۳۶).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «اقرأ كما يقرء الناس» (قرآن را همان‌گونه بخوان که مردم می‌خوانند) مقصود از قرائت در این روایت، همین قرائت معروف و مشهور رایج در میان مسلمانان در طول تاریخ اسلام است (بابایی، روش‌شناسی تفسیر، ۱۳۷۹: ۷۵).

نتیجه

قرائت قرآن کریم دارای دوره‌های مختلفی می‌باشد. تلاوت و حفظ قرآن کریم با تعلیم پنج آیه سوره علق، به نبی اکرم ﷺ از سوی جبرئیل و با خطاب اقرأ تحقق یافت. سپس در دوره‌های بعد جریان اختلاف قرائت به وجود آمد و توسعه یافت که در پی آن عثمان بن عفان پس از توحید مصاحف قاریان ویژه‌ای برای بلادی که مصحفی به آن اعزام کرده بود فرستاد. نتیجه تلاش توحید مصاحف، فقط مدتی کوتاه جریان داشت و اختلاف قرائت از اوایل قرن یکم تا اواخر قرن دوم ادامه پیدا کرد. ثمره تلاش قرآً تخصصی شدن علم قرائت در قرن سوم بود و در این دوره تلاش در جهت محدود کردن قرائات به هفت قرائت شد که در آخر توافق مسلمانان بر سر قرائت حفص از عاصم است که مطابق با قرائت متواتر و مشهور است. قابل ذکر است که تواتر قرآن کریم نیز از طریق نقل فراوان و یقین آور از طریق علم قرائت قابل اثبات است. باین حال نظرات مختلفی از سوی علمای اهل سنت در خصوص علت اختلاف قرائات بیان شده است. برای اختلاف لهجه اعراب و عاری بودن لغات از نقطه نیز از این دلایل می‌باشد. البته از مهم‌ترین آنان می‌توان به اجتهاد قرآً اشاره کرد که به دلیل متکی نبودن بر روایات و نقل‌های رسول اکرم ﷺ باعث اختلاف قرائت شدند. از دیدگاه اهل سنت قرائات متواتر هستند اما بسیاری از علمای بزرگ تواتر قرائات را رد نموده‌اند.

منابع

۱. ابن أنس، موطأ، بيروت: دارالكتاب العلميه، بی تا.
۲. ابن مجاهد، احمد، كتاب السبعة فی القرائات، تحقيق شوقي ضيف، مصر: دارالمعارف، ۱۴۰۰ق.
۳. امام خمینی علیه السلام، تبیان، دفتر سیزدهم، موسسه نظم و آثار امام خمینی.
۴. اوسی، علی، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ترجمه حسین میرجلیلی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۵. الاولی، علی، روش علامه در المیزان، ترجمه حسین میرجلیلی، بی جا: سازمان تبلیغات، ۱۳۷۰ش.
۶. این عاشورا، محمدطاهرین محمدشاری، التحریر و التنویر، توش وار سحتون، بی تا.
۷. بابایی، علی اکبر و دیگران، روش شناسی تفسیر قرآن، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹ش.
۸. بیگری، حسن، سرالبيان فی العلوم القرآن، چاپ هفتم.
۹. جمعی از نویسندگان، روش شناسی تفسیر قرآن، قم: سازمان مطالعه و تدوین، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش.
۱۰. حاجتی، محمدباقر، پژوهش در تاریخ قرآن کریم، بی جا: نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ش.
۱۱. حسینی زبیدی، محمدمرتضی، تاج العروس من جواهرالقاموس، بی جا: انتشارات دارالهدایت، ۱۳۷۹ش.
۱۲. خرماهی، بهاءالدین، دانشنامه قرآن و پژوهش، تهران: دوستان، ۱۳۷۷ش.
۱۳. خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، بی جا: نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹ش.
۱۴. خوبی، ابولقاسم، البیان فی التفسیرالقرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۱۵. رافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و بلاغه النبویه، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۱۶. زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی العلم القرآن، بیروت: دارالاحیاء التراث

- العربی، ۱۴۱۶ق.
۱۷. زرکشئی، بدرالدین، البرهان فی العلوم القرآن، بیروت: دارالزهرا، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۱۸. سعیدی روشن، محمدباقر، علوم قرآن، قم: مؤسسه پژوهشی امام، ۱۳۷۷ش.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی العلوم القرآن، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش.
۲۰. شریعت، محمدجواد، ۱۴ روایت در قرائت قرآن مجید، بی جا: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ش.
۲۱. شهیدثانی، زین الدین بن علی، شرح البدایه فی العلم الدراییه، تهران: مکتب چهل ستون العامه، ۱۹۸۲م.
۲۲. طالقانی، عبدالوهاب، علوم قرآن و فهرست منابع، دارالقرآن الکریم.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۲۴. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: کلیه اصول الدین، الطبعة الثالثه، ۱۴۲۴ق.
۲۵. فاضل لنکرانی، محمد بن نجف علی، مدخل التفسیر، انصاریان، حسین، تهران: انتشارات حیدری، ۱۳۹۶ش.
۲۶. فضلی، عبدالهادی، تاریخ قرائت قرآن کریم، انتشارات اسوه.
۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، بی جا: دار الکتب اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عندالمفسرین.
۲۹. معرفت، محمدهادی، التمهید، علوم قرآن، قم: مؤسسه النشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۰. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، سازمان مطالعات و کتب علوم اسلامی، تهران: چاپ هفتم، ۱۳۸۴ش.